

اقدامات فرهنگی - آموزشی بانوان مسلمان صدر اسلام در حرمین شریفین تا سقوط عباسیان

فهیمة جعفری جبلی^۱

چکیده

حرمین مکه و مدینه، جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان دارد. در این میان، زنان مسلمان در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، در زمینه‌های گوناگون، دارای اقدامات موثر بوده و برخی از این اقدامات، به دلیل جایگاه ویژه حرمین شریفین، در این دو مکان مقدس واقع شده است. امروزه جامعه اسلامی به حضور زنان و اقدامات فرهنگی و آموزشی آنان نیاز دارد و اقدامات زنان صدر اسلام می‌تواند الگویی برای نقش‌آفرینی امروز زنان باشد. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که اقدامات فرهنگی-آموزشی بانوان مسلمان در حرمین شریفین از صدر اسلام تا پایان حکومت عباسیان چه بوده است؟ روش این پژوهش، توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زنان از همان صدر اسلام، به اقدامات فرهنگی آموزشی همچون علم‌آموزی، نقل حدیث، شاگردپروری، تبلیغ اسلام و بهره‌گیری از شعر و خطابه پرداخته‌اند و میزان این اقدامات، با فاصله گرفتن از صدر اسلام و رهبری دینی، تغییر کرده و در مواردی، تعداد بانوان فعال کاهش یافته است. همچنین رویکرد زنان از اقدامات فرهنگی آموزشی به امور غیرفرهنگی از جمله حضور در اجرای مراسم‌های آوازخوانی تغییر یافته است.

واژگان کلیدی: اقدامات فرهنگی زنان، اقدامات آموزشی زنان، حرمین شریفین، نقش زنان در جامعه اسلامی.

۱. دانش‌آموخته سطح سه تبلیغ، گرایش حج، جامعة الزهراء (ع)، قم، ایران؛ fg30304040@gmail.com.

مقدمه

در پرتو تعالیم حیات بخش اسلام و با فرهنگ سازی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بانوان فرصت یافتند تا برای پیشبرد اهداف متعالی اسلام، به اقدامات فرهنگی و آموزشی در حرمین شریفین بپردازند. بانوان مسلمان، از همان صدر اسلام، نه تنها از حق تحصیل برخوردار بودند، بلکه اجازه داشتند مطالبی را که یاد می گرفتند، به سایر مردان و زنان آموزش دهند. این امر به گونه ای رواج یافته بود که در بین بانوان، مبلغان و استادانی بودند که علوم اسلامی را تبلیغ کرده و آموزش می دادند و در این میان، تعدادی از بانوان، گام های بلندی در زمینه اقدامات فرهنگی و آموزشی برداشتند.

در عصر حاضر، با توجه به بالا رفتن سطح آگاهی افراد جامعه، سؤالات بسیاری به ویژه برای نسل جوان، در مورد حقوق زنان مطرح است. در چنین فضایی، سخن از نقش فعال زنان در زمینه علم، دانش و فرهنگ، در شش قرن اولیه ظهور اسلام، پاسخ درخور و شایسته ای به بعضی از پرسش ها و شباهات مربوط به حقوق زنان است و همین مطلب، بیانگر ضرورت پژوهش در این موضوع است.

درباره فعالیت ها و مشارکت های بانوان در عرصه های مختلف، مطالب زیادی نوشته شده است، ولی با وجود کاوش و بررسی، اثری در موضوع این مقاله یافت نشد. البته در برخی آثار، به بخشی از اقدامات فرهنگی و آموزشی بانوان مسلمان در حرمین شریفین، بدون بیان بازه زمانی و مکانی مشخص پرداخته شده است:

۱. در مقاله «زنان و حج» نوشته مهدی مهریزی که در شماره ۸۲ مجله میقات حج در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده، برخی از فعالیت های فرهنگی زنان در دوره های مختلف تاریخی قبل و بعد از اسلام بیان شده است.

۲. در مقاله «بررسی و ارزیابی جایگاه علمی زنان شیعه در عصر رسالت و حضور» به قلم سیده طیبه مگامس زاده، انتشار یافته در کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی در سال ۱۳۹۳، جایگاه علمی زنان شیعه تا عصر حضور ائمه علیهم السلام بررسی شده است.

۳. در مقاله «بررسی عرصه های حضور زنان در دوره حکومت امام علی علیه السلام» از زهرا

یوسفیان که در شماره ۱۱۶ نشریه نامه جامعه در سال ۱۳۹۴ منتشر شده، به اقدامات نظامی - سیاسی و فرهنگی - علمی بانوان در فاصله سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری پرداخته شده است. در مقالات فوق، به اقدامات فرهنگی و آموزشی زنان در محدوده مکانی خاص حرمین شریفین توجه نشده است. ضمن اینکه در بعضی از این مقالات، بازه زمانی هم مشخص نیست و به اقدامات فرهنگی و آموزشی متفاوت پرداخته نشده است. پژوهش حاضر، که تحقیقی تاریخی با روش توصیفی است، درصدد پاسخگویی به این سؤال است که اقدامات فرهنگی و آموزشی بانوان مسلمان صدر اسلام تا پایان حکومت عباسیان در حرمین شریفین چه بوده است؟ این نوشتار قصد دارد بعد از بیان مفاهیم، به اقدامات فرهنگی آموزشی بانوان بپردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

در آغاز، معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های فرهنگ و اقدامات فرهنگی، آموزش و اقدامات آموزشی و حرمین، بررسی می‌شود.

۱-۱. فرهنگ و اقدامات فرهنگی

اقدامات فرهنگی، از دو واژه اقدامات و فرهنگ، با دو بار معنایی متفاوت تشکیل شده است. معنای لغوی و اصطلاحی اقدامات، روشن است، اما واژه فرهنگ در لغت به معنای علم، دانش و ادب تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲). در اصطلاح علوم اجتماعی، فرهنگ به مفهوم وسیع مردم‌شناختی، آن‌کل پیچیده‌ای است که دانش، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، رسم و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را که انسان به صورت عضوی از جامعه کسب می‌کند، دربرمی‌گیرد. (جولیوس گولد، ۱۳۷۶، ص ۶۳۰)

نظر به اینکه از «فرهنگ» تعاریف مختلفی بیان شده و با توجه به اینکه «فرهنگ» نیاز به تعریف منطقی و حقیقی ندارد، مراد ما از فرهنگ، معنای عام آن، یعنی مجموعه‌ای از آداب، سنن، هنجارها و ناهنجارها و رفتارهای اجتماعی است. منظور از اقدامات فرهنگی در این پژوهش نیز هر گونه اقدامی است که در حوزه فکر و اندیشه و ارزش‌های دینی صورت پذیرد.

۲-۱. آموزش و اقدامات آموزشی

واژه آموزش، اسم مصدر از آموختن است. آموزش به معنای آموختن، تعلیم، یادگرفتن و فراگرفتن است. آموزش دادن نیز به معنای تعلیم دادن و یاد دادن به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۰). منظور از اقدامات آموزشی در این پژوهش، هر گونه اقدامی است که منجر به تعلیم و تعلم شود. نظر به مفهوم فرهنگ و آموزش، تقریباً هر دو واژه، در بردارنده مفهوم انتقال داده‌ها از شخصی یا گروهی به شخص یا گروه دیگر است.

۳-۱. حرمین

واژه حرمین، تشبیه حرم است و حرم از ریشه «ح ر م»، صفت مشبه و جمع آن حُرْم (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۰۴)، در لغت به معنای ممنوع بودن و حرمت است، چه عقلاً ممنوع باشد چه عرفاً و شرعاً (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۳). همچنین به اماکن مقدس، به سبب حرمت و احترامی که دارند و نیز ممنوع بودن برخی چیزها در آنها، حرم گفته می شود (ابن فارس، بی تا، ج ۲، ص ۴۵). مراد از حرمین به طور خاص، حرم مکی و مدنی است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۵۲۱ و حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۴۳). در پژوهش حاضر نیز همین معنا از حرمین مد نظر است.

۲. اقدامات آموزشی

از جمله اقدامات آموزشی زنان صدر اسلام تا دوران عباسیان، به دو اقدام علم آموزی و شاگردپروری پرداخته می شود.

۱-۲. علم آموزی

رسول خدا ﷺ برنامه تربیتی خود را بر اساس علم، ایمان، اخلاق، تقوا و عمل شایسته بنا نهادند و زنان از این برنامه تربیتی خارج نبودند. ما با مطالعه تاریخ اسلام می توانیم به این مطلب دست یابیم که تعلّم زن در اسلام، قدمتی دیرینه و مقام و منزلتی مشهور و معروف دارد. پیامبر ﷺ امر علم آموزی را از خانه خود و با آموزش همسران عملی ساخت، به گونه ای که برای «حفصه» معلمی به نام «شفا» گرفت تا به او نوشتن پیاموزد (علی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۱۳۷). این عمل رسول خدا ﷺ توانست برای آموزش به دختران و بانوان، الگو و نمونه ای آشکار باشد. همچنین

در تاریخ، گزارش‌هایی از ایجاد فضا برای پرسش و پاسخ بانوان مسلمان با پیامبر ﷺ ذکر شده است. در گزارشی نقل شده است که: عده‌ای از زنان به خدمت پیامبر ﷺ آمدند و درخواست کردند تا روز معینی برای آموزش به آنان اختصاص داده شود (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰ و ابن طاووس، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۱۹). بدین گونه بود که رسول خدا ﷺ بنا به درخواست زنان، روزی را برای تعلیم و موعظه برای آنان اختصاص داد. یادگیری قرآن مجید نیز سبب شتاب مسلمانان، چه زن و چه مرد، در امر علم‌آموزی و کسب دانش شد. از جمله بانوان شاخص در زمینه علم‌آموزی در صدر اسلام می‌توان به حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت فاطمه رضی الله عنها و بانوانی همچون ام عطیه انصاری (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸)، ام ورقه (علی، ۱۳۹۱، ج ۱۹، ص ۴۳۹) و حفصه (همان، ج ۸، ص ۱۳۷) اشاره کرد. با مطالعه در گزارش‌های تاریخی، این نکته به دست می‌آید که روش و سنت رسول خدا ﷺ در مورد حضور اجتماعی زنان در فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی جامعه از جمله علم‌آموزی، در زمان خلفای سه‌گانه ادامه نداشت (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۷۵۷؛ بخاری، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۷۳ و ابن‌واضح یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۱)، ولی امام علی رضی الله عنه در دوران حکومت خود تلاش کرد سنت نبوی صلی الله علیه و آله را احیاء کند تا زنان بتوانند در ابعاد گوناگون اجتماعی همچون اقدامات فرهنگی - آموزشی حضور داشته باشند.

در جامعه اسلامی پس از حکومت حضرت علی رضی الله عنه، به دلیل نبود حکومت به دست امام برحق و عادل و نیز وجود حاکمان غاصب و ظالم، شرایط جامعه در خفقان بود و امکان بهره‌وری مسلمانان از علوم، محدود شده بود. در این میان، بانوان مسلمان از این امر مستثنا نبودند، اما بانوانی که با خانه اهل بیت علیهم‌السلام رفت‌وآمد داشتند یا منتسب به این خانواده بودند، از دریای علم بهره‌مند می‌شدند. البته با توجه به شرایطی که حکومت امویان برای مردم به ویژه بانوان فراهم کرده بودند، در این دوره شاهد حضور بانوان کمی در زمینه اقدامات فرهنگی هم‌راستا با فعالیت‌های دینی در حرمین هستیم. این تعداد اندک همچون حضرت سکینه بنت الحسین (مهنا، ۱۴۱۳، ص ۱۶۲)، ام فروه، همسر امام باقر رضی الله عنه (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۲۰)، فاطمه بنت الحسین (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۹۵) و علیّه بنت علی بن الحسین (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۸) نیز از خانواده اهل بیت علیهم‌السلام بودند.

در دوره امویان از یک سو، گسترش اسلام و کشورگشایی‌های پیوسته مسلمانان که موجب می‌شد مردم و ملل گوناگون با آداب، سنن و ویژگی‌های متفاوت، به قلمرو حکومت اسلامی بیایند و از دیگر سو، ثروت و رفاه مادی سرشاری از راه همین فتوحات به مسلمانان رسید، بر گستره زندگی تجمعاتی دامن زد که شعر و موسیقی و نوازندگی از محصولات این زندگی بود؛ به گونه‌ای که در قرن اول اسلامی، خلیفه زاهد و عابدی همچون عمر بن عبدالعزیز در دوران امارت خود در مدینه، آهنگ‌هایی ساخت و به نام خود ثبت کرد. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۵۴)

این مطلب، شاهد بر آن است که حاکمان اموی برخلاف فرهنگ اسلام تلاش می‌کردند جامعه را به سمت وسوی شعر و ادبیات مبتذل ببرند و از این طریق، مردم از آداب و آیین اسلام دور شده و نه تنها حاکم اسلامی احکام اسلام را اجرا نمی‌کرد، بلکه آنها را از بین می‌برد. در گزارش‌های تاریخی، نام بانوانی در این دوره ثبت شده است که در زمینه فعالیت‌های ضد فرهنگی و ضد دینی اقداماتی داشته‌اند، مانند بانوانی که در زمینه آموزش و یادگیری موسیقی و آواز و غنا فعالیت داشتند. موسیقی به اندازه‌ای در مدینه و مکه گسترده بود که بانوانی زندگی خود را در غنا و خوانندگی و موسیقی صرف می‌کردند. برای نمونه، «ابن سریج» و «غریض» روزهای جمعه به خانه‌ای در محله‌ای در مکه می‌رفتند و انبوهی از مردم مکه (زن و مرد) در آنجا جمع شده و آن دو می‌خواندند و می‌نواختند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۷۶)

از آغاز حکومت بنی‌عباس، درهای دانش به روی دنیای اسلام بیش از پیش گشوده شد و پایه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی استوار گردید. این تمدن اسلامی، بستری مناسب برای پیشرفت و تکامل علم، ادب و هنر فراهم آورد و این فضا موجب شد تا بانوان نسبت به دوره اموی، بیشتر در جامعه حضور داشته باشند.

آنان با جدیت و همت، تلاش کردند از دریای علم اهل بیت علیهم‌السلام بهره ببرند و این بهره‌مندی با شرایطی همچون حضور در خدمت ایشان، شاگردان و راویانشان بود. در دوران عباسیان، بانوان مسلمان تا جایی که شرایط جامعه اقتضا می‌کرد، سعی داشتند تا فاصله‌ای که در دوران امویان از فرهنگ اسلامی به وجود آمده بود را جبران کنند و در عرصه‌های فرهنگی بدرخشند.

بانو حمیده (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۶)، همسر امام صادق علیه السلام، از جمله زنانی بود که با بهره‌گیری از مکتب اهل بیت علیهم السلام، در مقامات علمی و فقهی به درجه‌ای رسید که شایستگی پاسخگویی به سؤالات فقهی را از سوی امام صادق علیه السلام دریافت کرد. با توجه به شرایط حضور بانوان در دوران عباسیان، بانو خیزران (جمعی از محققین، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۲)، فاطمه معصومه علیها السلام (امینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۹۶) و نجمه (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۴) از فعال‌ترین بانوان مسلمانی هستند که در این دوره در حرمین شریفین به امر علم‌آموزی اقدام نمودند.

۲-۲. شاگردپروری

در اسلام، اندیشه و علم، زیربنای دانشجویی است، هرچند دانش در چین باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۲۴۷). اسلام، آموزش را یک عمل عبادی به حساب می‌آورد. در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، گروهی از بانوان، مقام علمی بالایی داشتند، به طوری که گاه حضرت، زنان جامعه را برای آگاهی از مسائل و احکام به آنها ارجاع می‌دادند.

در موضوع آموزش و شاگردپروری، زنان صحابی و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و به‌ویژه دختر گرامی‌شان حضرت زهرا علیها السلام از جایگاه خاصی بین اصحاب و مردم برخوردار بودند؛ چه در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و چه بعد از رحلت ایشان. این جایگاه بدان دلیل بود که ایشان در سفرهای متفاوت، از جمله حج و یا جنگ، زمان‌های بیشتری با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده و تحت نظر خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله آموزش دیده و می‌توان گفت شاگرد خصوصی حضرت بودند و با آموزش همان مطالب، شاگردانی تربیت می‌کردند.

بانوانی چون «شفا» دختر «عبدالله» که نام او «لیلی» بود و «شفا» لقب اوست از نخستین بیعت‌کنندگان و از زنان جاهلی فعال قبل از اسلام بود که بعد از بعثت نیز در ردیف فعال‌ترین زنان صحابی قرار داشت. وی در جاهلیت در نویسندگی دارای مهارت بود (ابن عبدالبر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۳۲). شفا خانه‌ای در مدینه داشت و آن را مدرس قرار داده و در آنجا به زنان دانش می‌آموخت. او در جامعه آن روز، دارای جایگاه علمی و اعتبار ویژه‌ای بود. شفا استاد خط و طب حفصه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به شفا دستور داد که به همسرشان حفصه نوشتن و خواندن (علی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۱۳۷) بیاموزد.

عایشه به عنوان همسر رسول خدا ﷺ نیز ملجأ پاسخگویی مردان و زنان بسیاری بود. زنانی همچون «عمره» دختر «عبدالرحمن» از علم او بهره برده اند، به گونه ای که بعدها هرگاه تابعین می خواستند از علم عایشه بهره ببرند، به عمره مراجعه می کردند. (آل سلمان، ۱۹۹۴، ص ۷۱) همان طور که قبلاً اشاره شد، راه حضور زنان به فعالیت در عرصه های مختلف، در دوران خلافت بنی امیه بسته شد. در این دوران، زنان از صحنه علم و دانش و اجتماع و فرهنگ و... کنار زده شدند و اگر بانوان اقدامی انجام می دادند، توسط حاکمان مورد سرزنش قرار می گرفتند که حضرت علی علیه السلام به شما چنین جرئتی داده است. «در دوره امویان هرچند نوعی نگاه بدبینانه نسبت به جنس زن و جوهر هستی وی وجود داشت، اما زنانی که از جایگاه قبیله ای بهتری برخوردار بودند، شأن اجتماعی بالاتری نیز داشتند. تعلیم و تعلم مخصوصاً برای زنان در این دوره به صورت جدی مطرح نبود؛ فعالیت هایی از این دست، محدود به آموزش کتابت، قرآن و سهیم شدن در نقل روایات می شد». (رزمجو، ۱۳۸۷، چکیده)

با بررسی های انجام شده، به صورت واضح و آشکار یا حتی به طور اشاره، نام بانویی به دست نیامد که شاگردی به خدمت آن بانو رفته و مطالبی را در زمینه مباحث فرهنگی و دینی آموخته باشد. البته می توان احتمال داد که خانواده چهار امامی که در دوره بنی امیه زندگی می کردند، افرادی به دیدارشان آمده و سؤالاتی کرده و مطالبی یاد گرفته اند. این امر دور از ذهن نیست و می توان گفت حتماً چنین مواردی بوده، ولی به صورت مکتوب و مبسوط به دست ما نرسیده است؛ اما نام بانوان بسیاری موجود است که در دوره امویان به آموزش موسیقی مشغول بودند. در بخش دیگر همین پژوهش، نام چند تن از این بانوان ذکر شده است.

بانو حمیده (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۴۱۰)، همسر امام صادق علیه السلام، یکی از بانوانی است که مردم به حضور ایشان رفت و آمد داشتند و از علوم ایشان بهره مند می شدند و بدین طریق شاگردانی تربیت کرده است. ایشان از جمله زنانی بود که با بهره گیری از مکتب اهل بیت علیهم السلام، در مقامات علمی و فقهی به درجه ای رسید که شایستگی پاسخگویی به سؤالات فقهی را از سوی امام صادق علیه السلام دریافت نمود؛ به گونه ای که در گزارش های تاریخی ذکر شده، ایشان مسئولیت پاسخگویی و آموزش احکام و معارف اسلامی را برای بانوان به عهده گرفت.

امام صادق علیه السلام به تربیت، تعلیم و تهذیب جناب حمیده عنایت خاصی مبذول فرمودند؛ به گونه‌ای که آن بانو، عالم، فقیه و مربی نمونه‌ای گردید و امام از ایشان خواست به تدریس و تعلیم و ارشاد زنان مسلمان بپردازد. (لجنة التالیف، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۲۷)

خفقان موجود در دوران زندگی امامان معصوم علیهم السلام در عصر امویان و عباسیان، شرایطی را ایجاد کرده بود که یکی از مناسب‌ترین سیاست‌های راهبردی برای نشر تعالیم اسلامی، پرورش شاگرد توسط ایشان بود. بانوان مسلمان به ویژه خانواده اهل بیت علیهم السلام به این اقدام آموزشی توجه ویژه داشتند و در این امر فعال بودند؛ به طوری که با اجازه ایشان، با پاسخگویی به سؤالات فقهی و معارفی حاضران، بدین طریق شاگردانی تربیت کرده تا آنان نیز مطالبی را که آموختند به خانواده و سایر افراد آموزش دهند.

بانوی دیگری که حق استادی برای افراد بسیاری دارد، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۶۰) است. آن حضرت در پرتو تربیت و عنایت ویژه پدر و برادرش، به درجه والایی از فضل، کمال و آگاهی کامل به علوم اسلامی دست یافت و شاگردانی را پرورش و آموزش داد.

در نقل تاریخی دیگری از آموزش علم به بانوان توسط بانوان فرهیخته بیان شده است که حضرت امام علی النقی علیه السلام، خادم را طلبید و فرمود: «برو و خواهرم حکیمه خاتون را طلب کن. چون حکیمه خاتون داخل شد، حضرت فرمود: این آن کنیز است که می‌گفتم. حکیمه خاتون او را دربرگرفت و بسیار نوازش کرد و شاد شد. پس حضرت فرمود: ای دختر رسول خدا! او را به خانه خود ببر و واجبات و مستحبات را به او بیاموز که او زن حسن عسکری و مادر صاحب الامر است» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۱۸). پس ابتدا بانو نرجس خاتون علیها السلام خدمت بانو حکیمه خاتون علیها السلام حضور یافت و شاگردی نمود و سپس به عقد امام حسن عسکری علیه السلام درآمد.

۳. اقدامات فرهنگی

در این پژوهش، به دو اقدام فرهنگی بانوان مسلمان در حرمین شریفین تا پایان حکومت عباسی با عناوین نقل حدیث و تبلیغ اسلام پرداخته می‌شود:

۱-۳. نقل حدیث

در صدر اسلام، زنان همانند مردان، پروانه وار گرد رسول خدا ﷺ جمع می شدند تا از سخنان ایشان بهره ببرند و سپس اندوخته های خود را به دیگران منتقل کنند و بدین طریق، هم سطح علمی و عملی خود را بالا می بردند و هم با انتقال سخن ایشان به دیگران، نام خود را در شمار راویان حدیث ثبت می کردند. نمونه ای از این بانوان، ام سلمه است (ابن سعد، ج ۵، ص ۴۰۸ و طبرانی، بی تا، ج ۲۳، ص ۴۲۱-۴۲۶). وی راوی بیش از ۳۷۸ حدیث در زمینه فقهی، اخلاقی، تاریخی، دعا و نیایش و حالات و فضائل اهل بیت ﷺ است (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۰). وی این احادیث را یا بدون واسطه از شخص پیامبر ﷺ و یا با واسطه، از ابوسلمه از حضرت فاطمه ﷺ روایت نموده است. نام چند بانوی مشهور و شاخص که احادیث زیادی از پیامبر ﷺ نقل کرده اند عبارت است از: اسماء بنت ابوبکر (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۲)، اسماء بنت عمیس (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۲۰) و ام اسلم. (حسون و مشکور، ۱۴۲۱، ص ۱۲۷)

با رحلت پیامبر ﷺ پس از ۲۳ سال تلاش ایشان در راستای هدایت و پیشرفت بشر به سمت کمال، مسائل انحرافی بسیاری از جمله منع نقل حدیث پیش آمد؛ از جمله اینکه «ابوبکر» به بهانه های بی اساس، احادیث را آتش زد (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۸۵). همچنین شعار «حسبنا کتاب الله» (زرقانی، محمد بن عبدالباقی و قسطلانی، احمد بن محمد، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۰۷) و «لا کتاب مع کتاب الله» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۸۸) که از زبان «عمر» نقل شده است از همان روزهای اول بعد از وفات سر داده شد. در دوره خلافت «عثمان» نیز راویان مورد شکنجه قرار می گرفتند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۳)

خلفاء اقدامات ضد فرهنگی بسیاری از جمله: تأکید بر عدم نقل حدیث، جلوگیری از تفسیر قرآن، توییح ناقلان حدیث، سوزاندن احادیث و شکنجه راویان احادیث انجام دادند و همه این امور در حالی بود که نقل حدیث در زمان رسول خدا ﷺ مرسوم بود و جامعه اسلامی بعد از رحلت ایشان، برای طی مسیر، به سخنان گهربار آن حضرت نیاز داشت.

با وجود همه این شرایط زمانی و مکانی، بانوان به علوم اسلامی به ویژه فقه و حدیث، علاقه و توجه ویژه ای داشتند و بخشی از سیره و سنت رسول خدا ﷺ، توسط بانوان به نسل های

بعدی منتقل شده است. در میان محدثان و فقیهان بزرگ، بانوانی بودند که از چهره‌های برجسته به شمار می‌رفتند. آنان در علم حدیث به جایگاهی رسیدند که بزرگانی همچون «ذهبی» در مورد اعتبار حدیثی زنان می‌گوید: «من از بین زنان محدث کسی را نمی‌شناسم که در این زمینه متهم و متروک شده باشد» (ذهبی، بی‌تا، ج ۴، ص ۶۰۴). زنان محدث، در مساجد، اماکن عمومی و خانه‌ها به تدریس و نقل حدیث می‌پرداختند.

اگرچه فضای اجتماعی و بستر فرهنگی دوران حکومت امویان به خاطر آشفتگی‌های سیاسی و تاخت‌وتازهای خلفای آن و افراد فرصت‌طلب به گونه‌ای نبوده که راه نقل حدیث و بیان معارف اسلامی هموار باشد و بازار معارف دینی و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام اوج و رونقی داشته باشد، اما در عین حال در همان اوضاع نابسامان و نامطلوب ضد ولایت نیز احادیثی توسط اهل بیت علیهم‌السلام بیان، نقل و به دیگران منتقل شده است که در میان اسامی راویان آن عصر، نام تعدادی از بانوان، به عنوان راوی حدیث و صحابی به چشم می‌خورد؛ مانند بانو ام‌هانی الثقفیه که نام این بانو را از بانوان فاضل و راوی و دانشمند و صحابی امام باقر علیه‌السلام گزارش کرده‌اند (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۶ و مامقانی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۷۴). بانوان راوی دیگری همچون حبابه والبیه (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۴۶)، حفصه بنت سیرین (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۰) و خدیجه بنت عمر (اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۵) از راویان زن این عصر بوده‌اند.

اما در پایان دوران بنی‌امیه و ابتدای حکومت عباسیان، کم‌کم فعالیت‌های فرهنگی بانوان، از جمله نقل حدیث، در حرمین شریفین نسبت به دوره قبل ارتقاء یافت؛ به گونه‌ای که در کتاب معجم رجال حدیث، نام بیست‌وهفت بانوی راوی حدیث از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است (خویی، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۲۰۰). در این میان، هرچه بر قدرت حاکمان عباسی افزوده می‌شد و فشار بر شیعیان فزونی می‌گرفت، حضور بانوان کم‌رنگ‌تر گردید. البته تبعید ائمه علیهم‌السلام در دوران عباسیان به شهرهایی مانند بغداد، خود عاملی بر کم شدن تعداد راویان بانو در حرمین است.

از جمله بانوان راوی آن زمان، «ام‌سلمه»، مادر محمد بن مهاجر، از بانوان معتبر و مورد وثوق در نقل حدیث از امام صادق علیه‌السلام است که فرزندش محمد بن مهاجر از او حدیث روایت

کرده است (اردبیلی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۶). بانوی راوی دیگر، «فاطمه» دختر امام رضا علیه السلام است که وی را از بانوان راوی حدیث از پدرش دانسته اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۳۸۸ و امین، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۹). برخی منابع، بانو «کلثوم بنت سلیم» را از اصحاب امام رضا علیه السلام و از راویان ایشان معرفی کرده اند. (نجاشی، بی تا، ص ۳۱۹؛ مامقانی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۸۲؛ علیاری تبریزی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۵۹۰ و محلاتی، بی تا، ج ۵، ص ۴۵)

۲-۳. تبلیغ اسلام

یکی از ابزارهای مؤثر تبلیغی در امور مختلف، کلام و سخن است. چگونگی بیان و چینش کلمات، فصاحت، بلاغت و شیوایی کلام، تأثیرگذاری آن را بر مخاطب دوچندان می کند. از طرفی، برای گسترش فرهنگ هر دینی، به مبلغ نیاز است و این امر فرهنگی، تلاش همه پیروان دین را قطع نظر از هر نوع جنسیتی می طلبد. البته بعضی افراد به دلیل قدرت بیانی که دارند، در این امر موفق ترند. در این راستا، زنان بسیاری پس از آشنایی با مفاهیم قرآن و ایمان آوردن به ارزش های اسلامی، برای تبلیغ دین اسلام، هم دوش مردان تلاش فراوانی انجام دادند و همدلی و همراهی خود را با رهبر بزرگ جامعه اسلامی اعلان نمودند تا بستگان مشرک خود و همچنین سایر مردم را به آیین اسلام دعوت کنند. این افراد، بیشتر به تقویت ضعف فرهنگی مردم می پرداختند که این امر، ناشی از ناآگاهی مردم نسبت به اسلام بود. بانوان مبلغ تلاش می کردند تا خط و مسیر صحیح را در حوادث پیش رو به دیگران نشان دهند.

بحث و گفت و گو، خطابه و شعر و شاعری از جمله ابزارهای تبلیغی است. بانوان، با شمشیر زبان خود، در میدان های مختلف محاجه و حق گوئی، به تشویق و ترغیب مسلمانان پرداختند و زبان آنها که دارای فصاحت و بلاغت و ایمان و تعهد اسلامی بود از ده ها شمشیر بران مردان تأثیرگذارتر شد و توانستند موج هیجان و احساسات را در ترغیب و تشویق برای انجام فعالیت ها و حرکات انسانی داشته باشند و البته گاهی با ویژگی فصاحت خود در پی یافتن پاسخ سؤالات دیگران از مراجع معتبر بودند. این بانوان دلیر و شجاع، به تاریخ بانوان اسلامی، درخشندگی و عظمت عطا کردند و کلمات و سخنان آنان نشانه بزرگی و اخلاص آنها بود. در اینجا می توان اقدام فرهنگی تبلیغ اسلام توسط بانوان مسلمان از صدر اسلام تا

پایان حکومت عباسی در حرمین شریفین را با دو عنوان خطابه و سخنرانی و شعر و شاعری بررسی کرد.

۳-۲-۱. خطابه و سخنرانی

زنان در حرمین شریفین، از ابتدای حکومت اسلامی تا پایان دوران حکومت حضرت علی علیه السلام از چنان توانایی برخوردار بودند که با سلاح زبان، یا فراد را برای دفاع از اسلام تشویق می نمودند و یا، خود در مقابل حاکمان از عقایدشان دفاع می کردند. از جمله این بانوان، اسماء بنت یزید بن سکن انصاری است. وی از بانوانی بود که با عده‌ای از زنان مدینه، برای پذیرفتن اسلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید (ابن حجر عسقلانی، بی‌تاج ۴، ص ۲۳۴). این بانوا جهت عقل و شجاعت و فصاحت، جزء زنان نمونه بود. سیره‌نویسان وی را چنین توصیف و تمجید کرده‌اند: «کانت من ذوات العقل والدین: او از جمله زنان عاقل و متدین بود» (همان، ص ۲۳۷). بانوان دیگری همچون ام‌سلیم بنت ملحان بن خالد خزرجی انصاری (همان، ص ۴۶۱)، ام‌شریک انصاری (بلادری، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۵۴) و خنساء (ابن حجر عسقلانی، بی‌تاج، ج ۸، ص ۱۱۱) در زمره این بانوان بودند.

هرچند در گذشته مردان از امکانات آموزشی و تبلیغی بیشتری برخوردار بوده و به همین دلیل، غالباً در ادای این تکلیف الهی پیشگام‌تر بوده‌اند، ولی باید توجه داشت بانوان نیز از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تعلیمی و تبلیغی ویژه‌ای برخوردار بوده و هستند که در مردان کمتر وجود داشته و دارد. این ویژگی‌ها، بهره این قشر را در تبلیغ مکتب و تربیت دینی مردم، بالاتر برده و می‌برد.

نگاهی به کارنامه تبلیغی بانوان در عصر امویان نشان می‌دهد که زنان مؤمن، دین‌باور و زمان‌شناس، در عرصه تعلیم و تربیت و تبلیغ دین، با سلاح بحث و گفت‌وگو و خطابه حضور فعال داشته و به رشد فرهنگ دینی جامعه کمک کرده‌اند. آنان سعی داشته‌اند نسلی رو به رشد را تربیت کنند و به اردوگاه حق یاری رسانند. از جمله این افراد، «حره» دختر حلیمه سعدیه بنت ابی ذؤب، دایه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۷۰). حره یکی از بانوان مؤمن و معتقد به ولایت حضرت علی علیه السلام بود که با زبان خویش از حق دفاع کرد و کاری بزرگ و جهادی انجام داد. وی در شرایط ظلمت بار حکومت غاصب اموی، شجاعانه و با دلایلی

محکم و قوی که پشتوانه قرآنی و دینی داشت، از اصل دینی خود یعنی «امامت» دفاع کرد. (کحاله، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۹۱)

همچنین گروهی از بانوان مسلمان در دوران حکومت امویان، در حرمین شریفین به نشانه اعتراض به شرایط حاکم بر مردم و غصب خلافت و مهم‌تر از همه شهادت امام حسین علیه السلام، لب به سخن گشودند و با کلام فصیح و بیان ناطق خویش، به محاجه، سخنرانی، مدیحه‌سرایی و سرودن و قرائت شعر حماسی پرداختند تا شاید مردم خفته را بیدار کنند. در این میان، اقدامات بانو حضرت ام‌البنین علیها السلام در مدینه برای افشاگری ظلم و ستم بیزیدیان، نمونه‌ای بی‌بدیل به شمار می‌رود. (شبر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۱)

با از بین رفتن حکومت اموی و روی کار آمدن بنی‌عباس، تحول بزرگی در آزادی و آسایش علویان صورت نگرفت؛ به گونه‌ای که نقل است در دوران متوکل، هرگونه ارتباط با علویان جرم محسوب می‌شد و فشار اقتصادی بر آنان به میزانی بود که زنان علوی، به دلیل کمبود پوشش مناسب برای خواندن نماز، به نوبت نماز به جا می‌آوردند (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۶۶). همین امر باعث شده است که در مورد خطابه، سخنرانی و گفت‌وگوهای بانوان مسلمان در جهت تبلیغ فرهنگ اسلام در حرمین شریفین، مطلب کمی در منابع وجود داشته باشد.

از جمله بانوانی که به این امر مهم فرهنگی در این دوره در حرمین پرداختند بانو «سعیده» خدمتگزار امام صادق علیه السلام است. وی را بانویی زاهد، عابد، اهل فضل و دانش، شاگرد و مبلغ پیام‌های امام صادق علیه السلام و راوی حدیث از آن بزرگوار معرفی کرده‌اند. (کشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۶۲؛ مامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۰ و حسون و مشکور، ۱۴۲۱، ص ۴۲۲)

۲-۲-۳. شعر و شاعری

شعر و ویژگی‌های خاص خود را دارد. وجود لحن و آهنگ موجود در شعر، سبب حفظ سریع‌تر آن در ذهن می‌شود و از طرفی، اکثر افراد به طور فطری و غریزی، به شعر علاقه‌مند هستند. همچنین با توجه به موضوع پیامی که گوینده شعر، قصد انتقال آن را دارد، لحن آن تغییر می‌کند.

شعر و شاعری در دوران جاهلیت نیز در حرمین شریفین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده

است؛ بدین طریق که در اجتماعات جنگی و قبیله‌ای، هریک از قبیله‌ها شاعری داشتند که از طرف آن قبیله به ایراد سخن می‌پرداخت و هرچه این شاعر توانمندتر بود، برای قبیله‌اش معیاری برای عزت و عظمت محسوب می‌شد. این رسم عرب در دوران بعد از اسلام نیز پابرجا ماند با این تفاوت که محتوای شعر شاعران دگرگون شد و ارزش‌های اسلامی جای ارزش‌های جاهلی را گرفت. وضعیت شعر و شاعری را می‌توان در سه دوره صدر اسلام، دوران بنی‌امیه و دوران بنی‌عباس بررسی کرد.

۱-۲-۲-۳. دوران صدر اسلام و خلفاء

در دوران صدر اسلام و خلفای راشدین، بانوانی زندگی کرده‌اند که توانستند به وسیله شعر و شاعری، عقاید دینی خود را به دیگران منتقل نموده و از دین اسلام حمایت کنند. بانو «ام‌سطح» دختر انیس بن عبدالمطلب از جمله این بانوان بود (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۲۸). این بانو در دوران خلفاء، در ایامی که خلیفه اول و دوم بر امام علی علیه السلام سخت می‌گرفتند، به عنوان بیعت و جانبداری از امام زمان خویش، به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و در آنجا ابیاتی را سرود که نشانه بصیرت و شجاعت او بود. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۳)

۲-۲-۲-۳. دوران بنی‌امیه

در عصر امویان، شرایط شعر و شاعری نسبت به دوره قبل، تغییرات زیادی کرد. حاکمان غاصب اموی، با فتوحاتی که داشتند و به دنبال آن، ارتباط با سایر ممالک و پول‌های به دست آمده از فتوحات و دیگر موارد، به زندگی تجملاتی و موسیقی و آوازه‌خوانی روی آوردند. شعر و شاعری در این دوران، با دو رویکرد قابل پیگیری است:

الف) در راستای پیشرفت فرهنگ اسلامی

ابلاغ و رساندن دین به مردمان و دعوت انسان‌ها به حق، از جمله حرکت‌های اجتماعی و فرهنگی بود که گروهی از مسلمانان در دوره‌های مختلف به آن پرداخته‌اند. در این امر مهم، زنان مسلمان همچون مردان، به تبلیغ فرهنگ دینی همت گماشتند. در ایمن راستا، شعر به جهت دارا بودن ویژگی‌های خاص، از قابلیت و قدرت تأثیرگذاری بالایی برخوردار است و

سریع‌تر در ذهن مخاطب جای می‌گیرد و گاه با تحریک احساسات، غیرت دینی و ملی، اثری شگرف بر شنونده دارد. همین امر باعث شده است که توجه به شعر و ادب در کنار مضامین بلند قرآنی، یکی از شیوه‌های تبلیغی کارآمد محسوب شود.

در دوران اموی، برخی بانوان مسلمان شاعر در منطقه حرمین شریفین، از همین ابزار بهره بردند و برای بصیرت‌افزایی و تشویق افراد به دفاع از دین و عقاید دینی، شعرهایی سرودند. از بانوان شاعر این عصر که نامشان در صفحات تاریخ درخشندگی خاصی دارد می‌توان به رباب دختر امری القیس، همسر امام حسین علیه السلام و نیز دختر ایشان، بانو حضرت سکینه علیها السلام اشاره کرد. هشام کلبی، مورخ مشهور، درباره حضرت رباب می‌گوید: «کانت من خیار النساء و افضلهن؛ وی از بهترین و برترین زنان بود». (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۴۱)

دختران عقیل نیز که از بانوان خاندان بنی‌هاشم بودند، بعد از واقعه کربلا، در بیدار ساختن ذهن‌های به خواب رفته به فعالیت پرداختند. نقل است هنگامی که خاندان امام حسین علیه السلام بعد از واقعه کربلا به مدینه بازگشتند، این بانوان بزرگوار، مردم را برای استقبال از اهل بیت امام حسین علیه السلام تهییج کردند و خود همراه مردم به پیشواز آمدند و وقتی مردم گریه می‌کردند، دختران عقیل با فصاحت و بلاغت این اشعار را خواندند:

ماذا تقولون اذ قال النبي لكم ماذا فعلتم و انتم آخر الامم
بعترتی و باهلی بعد مفتقدی منهم اساری و قتلی ضرجوا بدم
ماکان هذا جزایی اذ نصحت لكم ان تخلفونی بسوء فی ذوی رحمی

(ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱ و امین، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۵)

این بانوان محترمه، اعتنایی به حکومت اموی در مدینه نداشتند و به همراه عده‌ای از بانوان، به یاد مظلومیت و قیام امام حسین علیه السلام شعر خواندند، اشک ریختند، افکار مردم مدینه را روشن کردند و احساسات آنها را علیه حکومت ستمگر بنی‌امیه برانگیختند. چنین اقدام دل‌ورانه‌ای، کار ساده‌ای نبود. خلفاء و کارگزاران حکومت اموی چنان شرایط رعب و خفقان ایجاد کرده بودند که حتی مردان هم جرئت سخن گفتن نداشتند. این بانوان با زبان شعر، به اعتراض علیه حکومت پرداخته و در راستای آگاه‌سازی مردم تلاش کردند.

ب) مخالف اهداف و فرهنگ اسلام

با توجه به مطالبی که در بخش‌های قبلی بیان شد، مشاهده می‌شود در دوران امویان، در مکه، محل نزول وحی و در بیت‌الله الحرام، حاکمان حکومت به ظاهر اسلامی، به نام عمل به سنت رسول خدا ﷺ، به ترویج فرهنگ ضد اسلامی و مخالف اهداف اسلام می‌پرداختند. در گزارش‌های تاریخی نقل شده است که زنان در جامعه مدینه، بیش از مردان به موسیقی گراییدند که از میان آنها چند تن مانند عزه‌المیلاء، جمیله و سلامه‌القس، از دیگران شهرت بیشتری داشتند. (همان، ج ۱۷، ص ۱۶۲)

«عزه‌المیلاء» بانویی موسیقی‌دان در زمان اموی بود که منصب استادی مردانی همچون «ابن سریج» را به عهده داشت. «ابن محرز» از دیگر موسیقی‌دانان عصر اموی بود که هرگاه به مدینه می‌رفت، سه ماه در آنجا می‌ماند و نزد «عزه‌المیلاء»، عود زدن را مشق می‌کرد و دوباره به مکه بازمی‌گشت. (همان، ص ۱۶۳)

این نقل‌های تاریخی، نمونه‌ای از اقدامات مخالف فرهنگ اسلامی به واسطه شعر و موسیقی توسط حاکمان ستمگر اموی است که با تشویق و زمینه‌سازی این حاکمان نالایق، زنان و مردان مسلمان بسیاری به این مسیر سوق داده شدند. این مطالب نشان می‌دهد سیاست امویان، به‌ویژه معاویه این بود که مردم حجاز را به عیش و نوش سرگرم کنند تا از عرصه‌های جهاد و مبارزه با انحراف و طاغوت دور شوند. این نحوه بهره بردن از شعر و شاعری، نه تنها کمکی به پیشرفت اسلام نکرد، بلکه لهو و لعب و غنا، روزبه‌روز و لحظه‌به‌لحظه، مسلمانان را از اهداف آیین اسلام دور کرد و موجب ابتدال در خانواده و جامعه شد.

۳-۲-۳. دوران بنی‌عباس

چنان‌که گفته شد، در دوران امویان، موسیقی رواج یافت و شعر در خدمت موسیقی قرار گرفت. این وضعیت ادامه یافت تا به تدریج در دوران عباسیان به اوج و شکوفایی رسید. شعر و شاعری در این دوران نیز با دو رویکرد، قابل بررسی است:

الف) در راستای پیشرفت فرهنگ اسلامی

همان طور که در قسمت های قبل بیان کردیم، سرودن شعر در تبلیغ فرهنگ و آداب اسلامی، از گذشته تاکنون مورد توجه بوده است. وضعیت فرهنگ و ادب نسبت به شرایط حکومتی، بسیار قابل تغییر است و شرایط جامعه، تأثیر زیادی بر پیشرفت و تعالی آن جامعه دارد. اقدامات فرهنگی مسلمانان در دوران عباسیان نیز فارغ از این امر نبود. در این دوران، در حرمین، گرایش به شعر و ادبیات و موسیقی، فاصله بسیاری از فرهنگ اسلامی گرفت و به سمت وسوی خوانندگی و غنارفت. از این رو مقدار سروده های بانوان مسلمان در حرمین با رویکرد پیشرفت فرهنگ اسلامی، در این دوران نسبت به قبل، کمتر شد و همین امر باعث گردید بانوی شاعر مسلمان در حرمین با این رویکرد یافت نشود.

ب) مخالف اهداف و فرهنگ اسلامی

در صدر اسلام، با روی آوردن شاعران به اسلام، شعر در خدمت تبیین مفاهیم اسلامی قرار گرفت، ولی در دوران حکومت های اموی و عباسی، شعر به خدمت موسیقی درآمد. در دوران این حکومت ها، از میان طبقات مختلف اجتماعی، بانوان بیشتر با موسیقی و شعر در ارتباط بودند. آنان گاهی آموزش موسیقی را به صورت موروثی در خانواده شان می آموختند و گاه تحت تعلیم استادان زن و یا مرد قرار می گرفتند. از جمله زنانی که موسیقی را نزد پدر و مادرش آموخت می توان دختر «ابن سریج» را نام برد که آوازهای پدرش را می خواند. طبق نقلی، وی بر بستر مرگ پدر، آواز خواند. «ابن سریج» وقتی مطمئن شد دخترش به خوبی از عهده کار برمی آید گفت: «همان طور که می خواستم شده ای و مرگ را بر من آسان نمودی...» (همان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۳). در جامعه آن روز، فرهنگ اسلامی به اندازه ای تغییر کرده بود که دغدغه والدین در لحظات آخر مرگ، مهارت خوانندگی فرزندان شده بود.

از موسیقی دانان مشهور زن در دوره عباسیان می توان «عاتکه» را نام برد که موسیقی را نزد مادرش «شده» آموخته بود (همان، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۶۷). «عاتکه» اهل مدینه و از موالی بود. از نکات درخور توجه، شاگردی کردن مردان نزد استادان زن موسیقی دان است که در جامعه مردسالار آن روز رواج داشت؛ به گونه ای که «عاتکه»، معلم موسیقی «اسحاق موصلی»، بزرگترین

موسیقی دان زمان عباسی محسوب می شد (همان، بی تا، ج ۱، ص ۷۰۰). همچنین «عرب مأمونیه»، بانویی شاعر، خواننده و عودنواز و به قدری نزد «مأمون» عزیز بود که به نام او منسوب شد. گفته می شود که وی در عمر خود، هزار آواز در موسیقی تألیف کرده بود. (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۴، ص ۲۲۷)

در دوران حکومت عباسیان، زنان به جای پرداختن به کسب ثواب جهاد و شهادت، به تألیف آوازه‌ها و نیز آوازه خوانی روی آوردند و در این زمینه، گوی سبقت از مردان ربوند و به مقام استادی مردان نیز دست یافتند. همین امر باعث شد جایگاه بانوان مسلمان، از آنچه در دوران حیات حضرت نبی اکرم ﷺ بود تنزل یابد و به دنبال آن، وضعیت فرهنگی جامعه اسلامی نیز واژگون شود.

نتیجه‌گیری

در صدر اسلام، در حرمین، زنان مسلمان در نقل حدیث بسیار کوشا بودند. آنها در مجالس درس شرکت می کردند، علم می آموختند و به دیگران نیز آموزش می دادند و از طریق شعر و شاعری و خطابه و سخنرانی به تبلیغ فرهنگ اسلام می پرداختند، ولی خلفاء با حضور اجتماعی زنان موافقت چندانی نداشتند و به حضور زنان در جامعه اعتراض می کردند. در این دوره، نقل حدیث و علم آموزی زنان افول کرد، اما زنان با تبلیغ اسلام و سخنرانی و شعر، همگان را مورد خطاب خویش قرار می دادند و آنان را آگاه می کردند.

در دوره بنی امیه نیز علم آموزی و شاگردپروری برای زنان به صورت جدی مطرح نبود. نقل حدیث و سخنرانی نسبت به دوره خلفاء پرننگ تر شد؛ اما در مقابل، مضامین شعری که با اهداف و فرهنگ اسلامی مخالف بود، بارویکرد مجالس لهو و لعب و آوازه خوانی زنان شکل گرفت.

در دوره عباسیان، زنان سعی نمودند در اقدامات فرهنگی همچون نقل حدیث، علم آموزی و شاگردپروری فعالیت داشته باشند، اما در زمینه تبلیغ فرهنگ اسلام، با تغییر خلفای عباسی و فشار و خفقان موجود در جامعه، نقش کمتری ایفا کردند. در این دوران، عده‌ای از بانوان با ترویج و تهییج دستگاه خلافت، به شعر و موسیقی و آوازه خوانی روی آوردند؛ به گونه‌ای که هم مجالس آوازه خوانی بانوان در حرمین برپا می شد و هم زنان، استادی مردان را در این امور به عهده می گرفتند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۴۰۷ ق، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بی تا، المناقب، قم: قم: علامه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، بی تا، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸ م، جمهره اللغه، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد، ۱۴۱۰ ق، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۰ ق، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم: مطبعه الخیام.
۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۲۲ ق، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن فارس، احمد، بی تا، معجم مقاییس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ۱۳۶۸ ش، الاغانی، ترجمه و تلخیص: محمد حسین مشایخ فریدنی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. _____، ۱۴۱۵ ق، الاغانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. _____، بی تا، الاغانی، بیروت: موسسه الجمال للطباعه و النشر.
۱۴. احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ ق، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۵. اردبیلی، محمد علی، بی تا، جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن طرق و الاسناد، بیروت: دار الاضواء.
۱۶. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۷. آل سلمان، مشهور بن حسن، ۱۹۹۴ ق، عنایه النساء بالحديث النبوی، بی جا: دار ابن عفان.
۱۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، بی تا، صحیح البخاری، مصر: لجنه احیاء کتب السنه.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۹۸۸ ق، فتوح البلدان، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۰. جمعی از محققین، ۱۴۱۹ ق، موسوعه امام جواد علیه السلام، قم: موسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۱. جولیس گولد، ویلیام ل. کولب، ۱۳۷۶ ش، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و حمید انصاری، تهران: انتشارات مازیار.
۲۲. حسون، محمد و مشکور، ام علی، ۱۴۲۱ ق، اعلام النساء المؤمنات، تهران: اسوه.
۲۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵ م، فتوح البلدان، بیروت: دار صادر.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۳۷۲ ش، معجم رجال حدیث و تفصیل طبقات الرواه، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم.
۲۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۲۶. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۳ ق، سیر اعلام النبلاء، بیروت: الرساله.
۲۷. _____، بی تا، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار الفکر.

۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، مفردات الفاظ القرآن، تهران: مرتضوی.
۲۹. رزمجو، جمال، ۱۳۸۷ ش، «جایگاه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان در دوران امویان ۴۱-۱۳۲»، کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳۰. زرقانی، محمد بن عبدالباقی، ۱۴۱۸ ق، شرح العلامه الزرقانی علی المواهب اللدنیه بالمنح المحمدیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. زرکلی، خیرالدین بن محمود، ۱۹۸۹ م، الاعلام، بیروت: بی تا.
۳۲. شبر، سید جواد، ۱۴۰۹ ق، ادب الطف او شعراء الحسین علیهم السلام، بی جا: دار المرتضی.
۳۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، بی تا، المعجم الکبیر، بیروت: مکتبه ابن تیمیه.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الامم والملوک، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، الغیبه، بی جا: دار المعارف الاسلامیه.
۳۶. _____، ۱۴۱۲ ق، تهذیب فی شرح المقنعه للشیخ المفید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۳۷. علی، جواد، ۱۳۹۱ ق، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد: مکتبه النهضه.
۳۸. علیاری تبریزی، علی بن عبدالله، ۱۳۶۷ ش، بهجه الامال فی شرح زبده المقال، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۳۹. کحاله، عمر رضا، ۱۴۰۴ ق، اعلام النساء فی عالمی العرب، بیروت: موسسه الرساله.
۴۰. کشی، محمد بن عمر، بی تا، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷ ش، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۲. لجنه التالیف، ۱۴۱۴ ق، سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیته علیهم السلام، بی جا: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام المعاونیه الثقافه.
۴۳. مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۱ ق، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: مطبعه المرتضویه.
۴۴. _____، بی تا، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۴۵. متقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹ ق، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: موسسه الرساله.
۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: وفاء.
۴۷. محلاتی، ذبیح الله، بی تا، ریاحین الشریعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹ ق، مروج الذهب، به کوشش: اسعد داغر، قم: دار الهجره.
۴۹. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴ ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. مفید، محمد بن محمد، بی تا، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۵۱. نجاشی، ابوالعباس، بی تا، رجال، بی جا: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.